

## عنوان مقاله:

دستیابی به زبان مشترک صنعت و دانشگاه

## محل انتشار:

اولین همایش مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن (سال: 1375)

تعداد صفحات اصل مقاله: 2

## نویسندگان:

صمد بنیسی - استادیار دانشکده فنی، بخش معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان

عباس سام - استادیار دانشکده فنی، بخش معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان

ناصر نوبری - مدیر امور مطالعات و تحقیقات مجتمع مس سرچشمه رفسنجان

آذر پرتوآذر - رئیس تحقیقات کاربردی، مجتمع مس سرچشمه رفسنجان

## خلاصه مقاله:

یکی از موانع مهم در برقراری ارتباط سیستماتیک، پویا و پیوسته بین صنعت و دانشگاه عدم دسترسی به زبانی است که برای هر دو طرف کاملاً شناخته شده باشد. هدف عمده صنایع سود بالاتر است در حالیکه در دانشگاه توجیه علمی و ارائه مکانیسمی برای یک پدیده، مسئله اصلی می باشد. ترجمه نشدن نیازهای واحدهای صنعتی به زبان دانشگاهی شاید از عوامل موثر در ناموفق ماندن پروژه های مشترک بین این دو قطب اصلی توسعه کشور باشد. در جهان امروز برای حل این معضل راههای متنوعی در پیش گرفته شده است. ایجاد مراکز تحقیقاتی در صنایع بزرگ که نقش واسطه بین صنعت و دانشگاه را ایفا می کند یکی از این راهها است. این عناصر واسطه، با آشنایی کامل به مسائل صنعتی آنها را به زبان دانشگاه ترجمه می کنند و به صورت پروژه هایی به مراکز آموزش عالی ارائه می دهند. موسساتی در این امر موفق بوده اند که نقش واسطه را به افرادی محول کرده اند که هم مسائل صنعت را خوب می شناسند و هم به امور دانشگاه ها آگاهی دارند. در واقع با تجربه ترین افراد صنایع در این بخش به فعالیت مشغولند. کشور ژاپن نمونه بارز این نوع سیستم ارتباطی می باشد [2]. در بعضی از صنایع کشور مشاهده می شود که در بخش تحقیقات از افراد کم تجربه و نه چندان موفق بهره گرفته می شود که این تا حدی در عدم موفقیت کامل تحقیقات در صنایع نقش داشته است. کار ایجاد پژوهشکده های تحقیقاتی در دانشگاه ها به کمک صنایع نیز در بعضی کشورها در پیش گرفته شده است. با اتخاذ این روش، پروژه های دوره های تحصیلات تکمیلی دانشگاه ها کاربرد بیشتری می شوند. در نتیجه با کمک به حل مسائل صنایع، این دوره ها (کارشناسی ارشد و دکترا) رونق بیشتری می گیرد. کشور دانمارک سالهاست که در این مسیر تجربه کسب کرده و کشور استرالیا نیز در سالهای اخیر شروع به تاسیس چنین مراکزی نموده است. در بعضی از کشورها مانند آمریکا و کانادا دولت با تاسیس مراکزی، به طور مشترک با صنعت، پروژه های تحقیقاتی را حمایت مالی می کند. بدین صورت که اگر صنعت 10% هزینه یک پروژه را تقبل کند بقیه را دولت تامین می نماید. در این روش آزمایشگاه های دانشگاه ها مجهزتر شده و رشد تحصیلات تکمیلی تسریع می شود. راه دیگری که به نظر می رسد برای کشورهایی که در ابتدای راه برقراری ارتباط بین صنایع و دانشگاه هستند، مناسب می باشد. ارتباط مستقیم و یا حضور محقق دانشگاهی در صنعت و آشنایی با مسائل صنعت از طریق مشاوره و انجام پروژه ها با مشارکت کارکنان صنایع است. این راه نسبت به راه اول به مراتب مشکل تر بوده و زمان زیادی برای بهره دهی نیاز دارد و در واقع زمینه ساز ایجاد مراکز تحقیقاتی و پژوهشی مشترک می باشد. در این مقاله به عوامل موثر در پیوند دانشگاه و صنعت پرداخته می شود و با ارائه چند نمونه موفق ارتباط صنعت، دولت و دانشگاه پیشنهادهایی نیز برای هموارتر کردن این دو راه و رسیدن به زبان مشترک ارائه می گردد.

## کلمات کلیدی:

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/21743>

